

مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد: بحران فعلی مربوط به سیاست های دولت های قبلی است

مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد گفت: به علت سوءمدیریت برخی مدیران سابق، پرونده های حقوقی زیادی در مجموعه این صندوق وجود دارد که ارزش آنها ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

به گزارش روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حسین عامریان اظهار داشت: وجود بحران در این صندوق و وجود ۸۰۰ پرونده حقوقی باعث شد تا درگیر مسائل حاشیه ای زیادی شویم. در این پرونده ها اشخاص شناخته شده، فرزندان وزاری سابق این وزارتخانه و آقازاده ها وجود دارند که دستگاه های امنیتی را نسبت به موضوع حساس کردیم. وی بابیان اینکه عمق بحران صندوق هامر بوط به سیاست های کلان در دولت های قبلی است، گفت: در این دولت باید بحران را مدیریت کنیم، ضمن اینکه هر روز بر تعداد بازنشستگان آن اضافه می شود.

عامریان با بیان اینکه شرکت دخانیات یکی از شرکت های زیانده و دارای وضعیت بحرانی بود، گفت: این شرکت ۴۵۰ میلیارد تومان، زیان انباشته و چهار هزار میلیارد بدهی دارد و تلاش مافیای دخانیات برای رساندن شرکت به مرحله واگذاری و عدم پرداخت حقوق کارگران بود تا با شکل گیری اعتراض های کارگری در دخانیات انحصار ایجاد کرده و آن را در دست بگیرند.

وی تصریح کرد: این مفسدان اقتصادی در ارکان قدرت و ثروت جای گرفته اند و نمی خواهند ماموق شویم در حالی که ما به نفع اشتغال کشور و صندوق فولاد، شرکت دخانیات و جایگاه آن را در صنعت کشور مدیریت می کنیم.



عامریان همچنین گفت: معادن اسفندقده یکی دیگر از معادن ارزشمند است. این معدن ثروت عظیمی دارد که می تواند کل نیاز صندوق فولاد را پاسخ دهد اما بعضی افراد سودجو با اقداماتی در صدد واگذاری و منحل کردن این شرکت بودند. وی اظهار کرد: اکنون مدیران شرکت های زیرمجموعه صندوق با شرکت های جهادی به دنبال تغییر و تحول هستند تا آینده خوبی را برای صندوق رقم بزنیم.

مدیرعامل تأمین اجتماعی:

افزایش حقوق بازنستگان در سال ۱۴۰۱ منصفانه خواهد بود

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی از افزایش منصفانه مستمری بازنشستگان در سال ۱۴۰۱ خبر داد.

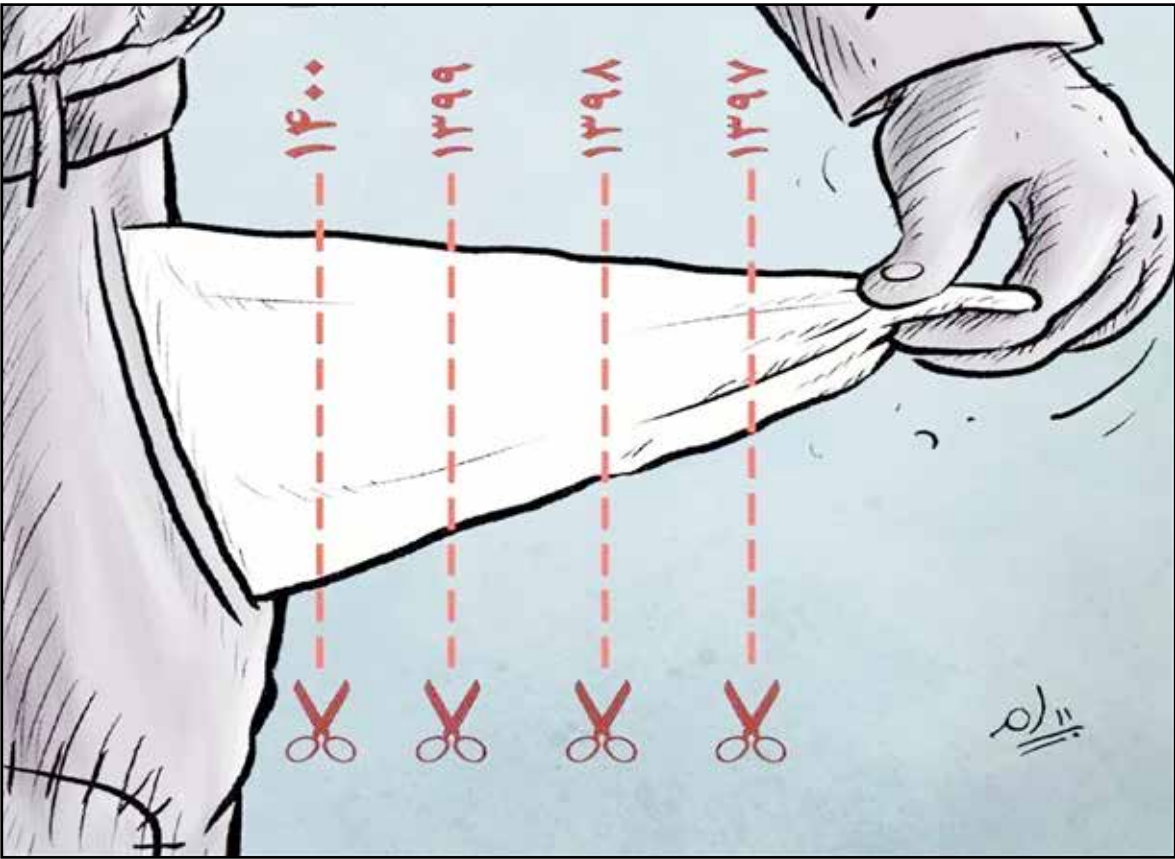
به گزارش «توسعه ایرانی»، میرهاشم موسوی در جلسه ای که با حضور رئیس و اعضای هیأت مدیره کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیر، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و همچنین معاونین و مدیران ذیربط سازمان تأمین اجتماعی به منظور اتخاذ بهترین تصمیم جهت افزایش میزان حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران در سال ۱۴۰۱ برگزار شد، شرکت کرد. در این جلسه پس از بحث و تبادل نظر جامع میان نمایندگان بازنشستگان و مدیران سازمان تأمین اجتماعی مقرر شد طی هفته جاری با برگزاری جلسات کارشناسی و تخصصی و با در نظر داشتن شرایط معیشتی بازنشستگان، مطلوب ترین تصمیم جهت افزایش میزان مستمری ها و ایجاد رضایت مندی این قشر معزز اتخاذ و پیشنهاد شود.

مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی اظهار امیدواری کرد با اتخاذ تصمیمات درست، رضایت بازنشستگان تأمین شده و به سمت ایجاد عدالت در پرداخت ها که هدف این سازمان است، حرکت شود.



آمار فقرای کشور هشت برابر شده است

وعده تکراری فقرزدایی، از روحانی تاریسی



جهانی فقیر شدند که این ماجرا هنوز

هم ادامه دارد. توضیح اینکه فقر را در جهان با یک شاخص عینی می سنجند و به همین دلیل تفاوتی نمی کند که در مورد فقر در ایران سخن می گویم یا فقر در فرانسه یا هند. مطابق تعاریفی که برنامه توسعه سازمان ملل متحد از فقر و فقر مطلق در سطح جهان به دست می دهد، درآمد روزانه کمتر از ۱.۹ دلار آمریکا به ازای هر فرد، برابر با قرار گرفتن فرد در زیر خط فقر مطلق قلمداد می شود.

نرخ دلار در بازار آزاد ایران در سال ۱۳۹۶ حدود ۴ هزار تومان بود و بر این اساس، در آن سال هر شهروند ایرانی که ماهانه کمتر از ۵۷ دلار یا ماهانه کمتر از ۲۲۸ هزار تومان درآمد داشت، زیر خط فقر مطلق زندگی می کرد. همان زمان، «شاخص توسعه جهانی» که توسط بانک جهانی تهیه شده بود، نشان می داد که حدود ۰.۰۸ درصد از جمعیت ایران یا چیزی حدود ۶۵۰ هزار نفر زیر خط فقر مطلق زندگی می کردند. با در نظر گرفتن درآمد روزانه کمتر از ۳.۱ دلار به ازای هر فرد، که خط فقر نسبی را

نشان می داد، جمعیت فقرای ایران (در مجموع زیر خط فقر مطلق و زیر خط فقر نسبی) به حدود ۰.۶۶ درصد از جمعیت کشور می رسید. یعنی در تابستان سال ۱۳۹۶، در مجموع حدود ۵.۳ میلیون نفر در ایران فقیر به حساب می آمدند و وعده دولت روحانی، تنها و تنها این بود که حدود ۶۵۰ هزار نفری را که زیر خط فقر مطلق زندگی می کردند تا پایان ۴ سال ریاست جمهوری اش، از زیر آن خط بیرون بکشد.

حالا اما وضعیت فرق می کند. براساس آمارهای رسمی (از جمله آماري که سازمان تأمین اجتماعی تهیه کرده) دست کم ۳۰ درصد از جمعیت ایران، زیر خط فقر زندگی می کنند.

تعداد فقرادر سال ۱۳۹۶

(زمانی که روحانی وعده

رفع فقر مطلق داده بود) تا

امروز در سال ۱۴۰۱ (زمانی

که رئیس و وعده رفع فقر

مطلق می دهد) بین ۵ تا ۸

برابر شده است

آمارهای غیررسمی امامی گویند که این بخش از جمعیت ایران به ۵۰ درصد از کل جمعیت کشور می رسد یعنی چیزی حدود ۴۲ میلیون نفر ایرانی.

افزایش حقوق هم مشکل فقر را حل نکرد

با تغییر نرخ دلار در بازار آزاد ایران، وضعیت بدتر شده چرا که شاخص مورد اشاره (تهیه شده توسط سازمان ملل متحد)، قید مطلق را با خود یک می کشد. به این ترتیب با احتساب دلار ۳۰ هزار تومانی، هریارانی که روزانه کمتر از ۵۷ هزار تومان و ماهانه کمتر از یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد، زیر خط فقر مطلق قرار دارد. برای یک خانوار ۴ نفره، این عدد برابر خواهد بود با درآمد ماهانه ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی.

نگران کننده تر اینکه با توجه به تورم جهانی و حتی افت ارزش دلار در جهان، شاخص های سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۵ میلادی به این سو هم تغییر کرده اند و در سال ۲۰۲۰ میلادی، مرز ۱.۹ دلار در هر روز به ۲.۱۹ دلار در هر روز افزایش پیدا کرده است. در واقع اکنون هریارانی که با احتساب دلار ۳۰ هزار تومانی، روزانه

کمتر از ۶۵ هزار تومان و ماهانه کمتر از حدود یک میلیون و ۹۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد، زیر خط فقر قرار می گیرد و برای یک خانوار ۴ نفره، این مرز به ماهانه حدود ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می رسد. بنابراین، حتی با فرض افزایش حداقل دستمزد کارگران بدون سابقه ایرانی که متاهل باشند و دو فرزند هم داشته باشند، این کارگران و خانواده آنها هنوز هم زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند.

بر اساس اعداد اعلام شده، چنین کارگرانی در سال ۱۴۰۱ خورشیدی باید دست کم ماهانه ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان حقوق و مزایا بگیرند (مجموع دریافتی) و به این ترتیب، چنین کارگرانی هنوز هم یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان زیر خط فقر مطلق هستند. البته در این نوشتار، برای سهولت در مقایسه آماری با استفاده از آمارهای موجود، ما همان شاخص ۱.۹ دلار در روز را مدنظر قرار داده ایم اما حتی با این شاخص هم یک خانواده کارگری ۴ نفره ایرانی و حداقل بگیر با یک نفر فرد شاغل، دقیقاً در مرز خط فقر مطلق است.

فقر امروز، فردا را هم

نابود خواهد کرد

همچنین می توان وضعیت آماری تعداد فقرادر سال ۱۳۹۶ (زمانی که روحانی وعده رفع فقر مطلق داده بود) را با امروز در سال ۱۴۰۱ (زمانی که رئیس و وعده رفع فقر مطلق می دهد) با یکدیگر مقایسه کرد. بر این اساس، امروز بین ۲۷ تا ۴۲ میلیون نفر ایرانی (بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از کل جمعیت ایران) به اذعان آمارهای رسمی و غیررسمی، زیر خط فقر (البته فقر نسبی) قرار دارند. این جمعیت، در سال ۱۳۹۶ خورشیدی حدود ۵.۳ میلیون نفر بود و در واقع اکنون ۵ تا ۸ برابر شده است.

اما فقری که امروز تجربه می کنیم نه فقط امروز ما که فردای ما را هم نابود خواهد کرد. اکنون سال ها است که بررسی های اقتصاددانان و جامعه شناسان، تأثیرات عجیب و غریب فقر بر انسان ها را هویدا کرده و این تأثیرات تکان دهنده هستند.

به عنوان نمونه، بررسی های علمی نشان می دهند که فقر موجب افزایش مصرف شیرینی (قند و شکر) در میان افراد می شود و احتمال ابتلا به دیابت نوع ۲ را در آنها افزایش می دهد. از

هر ایرانی که روزانه کمتر

از ۶۵ هزار تومان و ماهانه

کمتر از حدود یک میلیون

و ۹۰۰ هزار تومان درآمد

داشته باشد، زیر خط فقر

مطلق قرار می گیرد که برای

یک خانوار ۴ نفره به ماهانه

۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان

می رسد

یک نظر، این حتی بدیهی به نظر می رسد: فقر ناچارندارنژدی و کالری مورد نیازشان را از آن تر تهیه کنند و قند و شکر، از آن تر از پروتئین و ویتامین است.

فقر، باز هم فقیر تر می شوند

فقر همچنین دسترسی کودکان به آموزش را کاهش می دهد و کودکان فقیر، در آینده خانواده های فقیری تشکیل می دهند که به نوبه خود فرزندان فقیر خواهند داشت. نام این پدیده «چرخه فقر» یا «تله فقر» است. به عبارت ساده، خانواده فقیر در دام فقر می افتد و نمی تواند بیرون بیاید چرا که ممکن است وام هایی بگیرد که از بازپرداخت آنها ناتوان باشد. به این ترتیب مجبور به نزول پول شود و به دلیل جرایم مالی سر از زندان در بیاورد و الی آخر.

فقر را بیشتر طلاق می گیرند، بیشتر در معرض خشونت هستند و در محلاتی زندگی می کنند که احتمال بروز درگیری های منجر به جراحات های شدید در آنها بالاتر است. برخی پژوهش های داخلی، حتی نشان می دهند که فقر در ایران زنانه شده به این ترتیب، مادرانی ممکن است بچه دار شوند که فقر را تجربه کرده اند و این فقر به فرزندان آنها هم منتقل خواهد شد.

این فهرست شوم را می توان همین طور ادامه داد: فقرادر طولانی مدت کوتاه قد می شوند. به همین دلیل، عجیب نیست که میانگین قد مردان در کشوری مانند هلند به حدود ۱۸۳ سانتی متر، در ایران به حدود ۱۷۵ سانتی متر و در کشوری مانند یمن به ۱۶۴ سانتی متر می رسد. خود این اعداد، حاصل شاخصه های رفاه در دهه های گذشته در این کشورها بوده اند و وضعیت امروز، اعداد فردا را پدید می آورد. بنابراین، تعجب نکنید اگر میانگین قد ایرانی هادر یک دهه آینده، اندکی کاهش پیدا کند.



سال های قبل تر هم وضعیت امرار معاش خانواده کارگران را دچار دستخوش کرده و تمام روزنه های امید جهت بهبود شرایط معیشت این خانواده ها را مسدود و حمایت ها را محدود کرده است.

وی با تأکید بر اینکه برخی معتقدند با ارائه کالابرگ بخش بزرگی از نیاز سفره خانواده کارگری تأمین می شود، گفت: به نظر می رسد دولت تنها به یک بعد از حذف ارز ترجیحی نگاه دارد. زنجیره تأمین نیاز یک خانواده تنها چند قلم کالای اساسی نیست. دولت باید توضیح دهد چطور می تواند تورم را در لایه لایه های زندگی مردم مانند هزینه مسکن، حمل و نقل و صدها مورد دیگر، کنترل و برای قشر کارگران حقوق بگیر و ضعیف جامعه جبران کند؟

دچار همان تنش های کهنه در اقتصاد و افزایش فشار بر معیشت خانوار ها به ویژه اقشار ضعیف جامعه خواهیم بود.

به گفته توفیقی، هنوز برنامه های دولت برای فقرزدایی و کاهش تورم از زندگی کارگران مشخص و اعلام نشده است. قطعاً دولت باید قبل از اجرای هر اقدامی زوایای مختلف را بررسی و راه مقابله با آن را پیدا کند.

وی تصریح داشت: در نبود سیاست های کاهش تورم در لایه های کارگری، خانواده بزرگ کارگران به رغم افزایش دستمزد ها به سر نوشت سختی خواهد رسید.

توفیقی ادامه داد: دولت می داند هر تغییری در وضعیت قیمت ارز، معیشت جامعه بزرگ کارگری را هدف می گیرد؛ موضوعی که

مزدبگیران با حذف ارز ترجیحی فقیرتر خواهند شد

وی تصریح داشت: به رغم برنامه پنجم و ششم توسعه که دولت را مکلف کرده جامعه هدف شناسایی و جاماندگان از معیشت و یارانه ساماندهی شود تا این لحظه هیچ اقدامی در راستای تحقق برنامه توسعه اجرایی نشده است!

توفیقی گفت: همچنین زنجیره تأمین همواره بحث برانگیز است. اگر دولت به موقعیت زنجیره تأمین روی نیاورد و دست سوداگران را از عرصه تصمیم گیری برای معیشت و اقتصاد مردم کوتاه نکند، قطعاً جامعه دستمزد بگیر در سال ۱۴۰۱ با چالش جدیدی مواجه خواهد شد چرا که به دنبال سیاست حذف دولتی، سوداگران آرام نخواهند بود و تورم تحمیلی قیمت ها را به سمت جامعه هدف که همان خانواده کارگری است، وارد می کنند.

رئیس کمیته دستمزد شورای عالی کار تأکید داشت: اگر دولت قبل از وقوع چنین مشکلاتی به دنبال راه های مسدود کردن فشار بر خانواده کارگری باشد، می توان ادعا داشت که حرکت بر مدار متفاوت حرکت کردن در حوزه اقتصادی کشور است در غیر این صورت

کارگران مصوب و ابلاغ می شود. اگر قرار است بهبود وضعیت معیشتی با افزایش دستمزد کارگران انجام بگیرد مستلزم اجرای یک سری مولفه ها در بخش اقتصاد کشور است؛ موضوعی که هیچ گاه به آن توجه نشده چرا که در صورت اجرای چنین سیاست هایی قطعاً شرایط زندگی کارگران به بحران جدی اقتصادی نمی رسد.

رئیس کمیته دستمزد شورای عالی کار می گوید: دولت باید دست از بی انضباطی مالی بردارد و مدیریت سامان بخشی مالی خود را به طور صحیح انجام دهد کمالات کمبود مالی و رانندگی انجام دهد و مشکلات کمبود مالی و کسری بودجه و هر گونه خاصه خرجی های خود را به گردن جامعه بیندازد، قطعاً تورم حاصل از این بی انضباطی تأثیر افزایش دستمزد ها را بی خاصیت می کند.

این فعال کارگری گفت: نگرش دولت به ارز ترجیحی در سال ۱۴۰۱ یک چالش جدید برای مردم به ویژه اقشار کم درآمد است چرا که هنوز برای جامعه هدف حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی مشخص نشده است.

کارشناسان معتقدند با حذف ارز ترجیحی، شوک اساسی در قیمت کالاها به ویژه خوراکی به وجود می آید و به دلیل گرانی های متعاقب، جامعه کارگری دیگر توان مدیریت زندگی و معاش خود را نخواهند داشت.

به گفته فعالان کارگری، حذف بدون برنامه ریزی ارز ترجیحی، سفره جامعه کارگری را کوچک تر از قبل می کند و این قشر را وارد یک جنگ نابرابر در تأمین نیازهای اولیه خواهد کرد.

در همین رابطه «فرامرز توفیقی» رئیس کمیته دستمزد شورای عالی کار در گفت و گو با اقتصاد ۲۴ گفت: مشکل جامعه ایران تورم است؛ توری که ناشی از تصاحب بازار و تزریق نقدینگی توسط دولت و اجرای سیاست هایی است که هر روز به هر بهانه ای سفره کارگری را کوچک کرده است.

این فعال کارگری با تأکید بر اینکه دولت با هدف حذف ارز ترجیحی به دنبال ثبات قیمت دلار است، گفت: دولت تصور می کند با افزایش دستمزد کارگران از تحمیل تورم به این بخش جلوگیری کند از این رو هر سال افزایش حقوق